

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته:

عرض کردیم ولو مرحوم محقق اصفهانی (اعلی الله مقامه الشریف)، مرحوم امام (رضوان الله تعالی علیه) اصرار دارند بر اینکه فرد مردد هم خارجاً و هم ذهناً محال است اما ادله‌شان را ملاحظه فرمودید ادله‌ای است که فقط اثبات می‌کند که فرد مردد در عالم خارج استحاله دارد، اما همان که در عالم خارج استحاله دارد، در عالم ذهن متعلق برای تصور قرار می‌گیرد و از همه مهمتر اینکه این فرد مردد مورد تعلق اعتبار عقلا واقع می‌شود. یعنی ما در این مسئله تبعیت می‌کنیم از کسانی مثل مرحوم محقق حائری در دُرّ که ایشان فرمودند فرد مردد خارجاً محال است اما ذهناً قابل تصویر است، همانطوری که در جمیع محالات، این در عالم خارج استحاله دارد اما در عالم ذهن قابل تصویر است و اگر قابل تصویر شد می‌شود متعلق برای حکم قرار بگیرد و مورد اعتبار عقلا واقع شود.

اشکال:

یکی از اشکالاتی که بر وجود ذهنی شده این است که به عنوان الاشکال الرابع آنجا نقل می‌کند علامه (قدس سره)، مستشکل می‌گوید: انا نتصور المحالات الذاتية، ما محال ذاتی را تصور می‌کنیم شریک الباری واجتماع النقيضين وارتفاعهما و سلب الشیء عن نفسه، یعنی این چهار تا که در عالم خارج ممتنع هستند شریک الباری، اجتماع النقيضين، ارتفاع النقيضين و سلب الشیء عن نفسه. بعد مستشکل می‌گوید فلو كانت الاشياء حاصلة بانفسها فی الازهان، آن وقت در باب وجود ذهنی فلاسفه این را دارند، ظاهراً عبارت مرحوم حاجی در منظومه باشد، للشیء غیر الکون فی الأعیانی کونٌ بنفسه لدی الازهانی، مدعای در باب وجود ذهنی این است که این شیء خارجی به نفس در ذهن می‌آید للشیء غیر الکون فی الأعیانی، غیر از این کون در اعیان، کونٌ بنفسه، یعنی نه چیز دیگری. همان شیء اشیاء به انفسها لدی الازهان هستند، آن وقت مستشکل می‌گوید شما اگر در وجود ذهنی بگوئید اشیاء به انفسها لدی الازهان هستند، در این مُحالات استلزم ذلک ثبوت المحالات الذاتية، به این معناست که باید محال ذاتی وجود پیدا کند، این اشکال.

جواب:

بعد جوابی که ایشان دادند می‌فرمایند أَنَّ الحاصل من المحالات الذاتية في الأذهان مفاهيمها، آنچه در ذهن می‌آید مفهوم است، یعنی مفهوم شریک الباری، مفهوم اجتماع النقيضين، آن هم بالحمل الأولي دون الحمل الشائع، آن هم به عنوان حمل اولی، یعنی وقتی ما می‌گوئیم شریک الباری، آن شریک الباری که در ذهن ما هست می‌خواهیم بگوئیم ممتنع این به حمل اولی شریک

الباری، شریک الباری است و لذا می‌فرماید فشریک الباری فی الذهن شریک الباری بالحمل الأولی فشریک الباری فی الذهن شریک الباری بالحمل الاولی.

تا اینجا معنایش این است که آنچه هست به حمل اولی است ولو اینکه اینجا اشکالی که بر مرحوم علامه است این است که پس این کون بنفسه نشد، آن کون بنفسه در عالم خارج مربوط به حمل شایع است نه مربوط به حمل اولی، این جواب تسلیم اشکال شدن است نه جواب اشکال دادن، ولی ما به این جهتش کاری نداریم. بعد می‌فرماید وَاَمَّا بِالْحَمْلِ الشَّاعِ، یعنی شریک الباری بالحمل الشایع وَاَمَّا بِالْحَمْلِ الشَّاعِ فهو کیفیة نفسانیة ممکنة، یعنی الآن شما شریک الباری که به ذهن‌تان آوردید، الآن شد کیف نفسانی، الآن این شریک الباری که در ذهن خودتان قرار دادید شک کیف نفسانی، ممکنه، این ممکن است مخلوقه للباری وهكذا فی سائر المحالات.^[1] پس نتیجه این شد این شریک الباری به حمل شایع موجود مخلوق، ممکن، اجتماع النقیضین در ذهن به حمل شایع موجود، به حمل اولی می‌گوئیم اجتماع النقیضین اجتماع نقیضین است، به حمل شایع اجتماع النقیضین دیگر اجتماع نقیضین نیست بلکه یک کیف نفسانی است.

ما در باب فرد مرد می‌گوئیم الفرد المرد محال فی الخارج اما همین فرد مرد که بیاید، شما برای قضیه الفرد المرد محال فی الخارج آن فرد مردی که در ذهن‌تان می‌آوردید بالنسبة به این قضیه عنوان حمل اولی را دارد، مفهوم فرد مرد، فرد مرد است و حاکی از آن فرد مرد خارجی می‌شود. اما همین فرد مرد وقتی در ذهن می‌آید، به عنوان کیف نفسانی می‌شود، الآن می‌شود موجود.

(سؤال و پاسخ استاد):

وقتی می‌گوئید شریک الباری ممتنع، آنچه که به عنوان شریک الباری به ذهن‌تان می‌آید مفهوم آن است، یعنی آنچه شما نسبت به خارج می‌خواهید در ذهن متعلق برای حکم قرار بدهید فقط در دایره حمل اولی است، فشریک الباری فی الذهن، شریک الباری بالحمل الاولی، در دایره مفهومی. تا اینجا درست! همه‌ی حرف ما اینجا است که می‌فرماید و اما بالحمل الشایع...

(سؤال و پاسخ استاد):

ما دو حمل بیشتر نداریم، می‌آئیم در منطق؛ شما می‌گوئید الانسان انسان، می‌گوئیم هذا حمل اولی، الانسان حیوان ناطق، هذا حمل اولی. اما تا مسئله وجوب پایش به میدان آمد از عالم مفهوم آمدم به عالم وجود، می‌شود حمل شایع، حمل شایع هم در خارج می‌تواند باشد و هم در ذهن می‌تواند باشد، در خارج وجود خارجی است و در ذهن وجود ذهنی است.

وقتی مسئله این شد که گفتیم شریک الباری موجود در نفس اینجا موجود شد، اینجا می‌شود کیف نفسانی. به حیث وجودش. ما عین همین مطلب را راجع به فرد مرد هم می‌گوئیم، اینکه شما فرد مرد در ذهن‌تان موجود می‌شود یا نمی‌شود؟

تصریح عبارت علامه است فشریک الباری فی الذهن شریک الباری بالحمل الاول، یعنی مفهوم مفهوم است، و اما بالحمل الشایع، فهو کیفیة نفسانیة یعنی در ذهن است ممکنه مخلوقه موجوده، پس می‌شود اعتباری بشود.

من الآن تصور می‌کنم فرد مرد را، می‌گویم فرد مرد موجود شد در ذهن من، تصور می‌کنم اجتماع نقیضین را، تصور می‌کنم وجود و عدم زید را فی آن واحد، می‌گویم این تصور موجود شد در ذهن من، تا این اندازه را ما قبول داریم، اما بگوئیم اجتماع نقیضین در ذهن به این معنا درست است، بگویم آن زمانی که من تصور کردم زید را آن آن زید نبوده این محال است، این را قبول داریم، اجتماع نقیضین یا ارتفاع نقیضین اینکه بگوئیم من الآن تصور زید، در همان آن بگویم اصلاً زید در ذهن من

نبوده، این می‌شود اجتماع نقیضین. ولی من می‌گویم این تصور موجود متعلقش نقیضین است، مانعی ندارد، از قدیم همه‌ی آقایان در اصول هم گفتند که فرض محال محال نیست، یعنی چه؟ فرض سلب الشیء عن نفسه را ذهن می‌تواند فرض کند. اگر فرض کرد قابل اعتبار است، تلخیص الکلام؛

نظر استاد محترم:

به نظر ما فرد مردد یک امری است که عقلاً اعتبار می‌کنند در معاملات اعتبار می‌کنند، مخصوصاً در معاملات جدیده خیلی بر آن اعتبار می‌کنند و این روایاتی هم که امام ذکر کرده خودش مؤید این مسئله است، مؤید این معناست که ما فرد مردد داریم، در عالم اعتبار است. الاعتبار خفیف المعونه، من خیلی روشن عرض کنم مثالش این است که من یکی از این دو تا را فروختم، اما الآن می‌گویم مبیع من یا این است یا این، هنوز معین نکردم و فروختم، او هم می‌گوید قبلتُ، بیع واقع می‌شود، مشکل عجیب هم این است من تعجب می‌کنم امام (رضوان الله علیه) در بحث تعیین من یبیع له و من یشتری له مصرّ بر این بودند که این مسئله مانعی ندارد اما اینجا عرض کردم بین مطلب جلد دوم و سوم حسابی در مقابل یکدیگر است.

علی کلّ حال این توجیهات اکثرش تسلیم اشکال است یعنی پذیرفته‌اند که در این روایات فرد مردد تصویر شده، وقتی تصویر شده دیگر ما چه ادعایی داریم که بگویم چون استحاله‌ی عقلی خارجی دارد اینها را توجیه کنیم به توجیهاتی که خیلی بعیده است.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين